یادداشت روز

نقشه راه دولت: درس‌های روحانی و رئیسی

۱- تهدیدات، افراد و جوامع دارای ضعف شخصیت را از پا درمی‌آورند. اما آنها که شخصیتی قوی دارند، از همین چالش‌های تحمیلی، فرصت پیشرفت و موفقیت می‌سازند. نخستین بار نیست که ما با ترامپ مواجه می‌شویم. او قبلا یک بار دیگر هم با همه خباثت‌هایی که به خرج داد، به اذعان همه تحلیلگران غربی، در پروژه فشار حداکثری «شکست فاحش» خورد. نه فقط شکست خورد، بلکه نقاب از چهره فریبکارانه آمریکا برداشت و موجب شد تا پس از غفلت اعتماد به دشمن، دوباره روی پای خود بایستیم. پس از آن بود که جهان دید ایران در اوج فشارهای آمریکا، توانسته صادرات نفت و رشد اقتصادی خود را احیا کند و ضمنا به پیشرفت برنامه هسته‌ای بپردازد. اکنون نه‌تنها ترامپ رسوای عالم است، بلکه شیادانی مثل جان کری هم که قول و امضای او تضمین خوانده می‌شد(!)، خود را رسوا کرده‌اند. (کری اخیرا در وال‌استریت ژورنال نوشت: «ترامپ، بخت این را دارد که ضربه لازم را به ایران بزند»).

۲- آنگونه که «جان ساورز» رئیس سرویس جاسوسی انگلیس، پس از اعلام توافق لو داد، برجام قرار بود ایران را خواب و خام کند تا غرب بتواند پروژه نفوذ در عمق و ضعیف‌سازی را نهائی کند. اما حالا از آن پروژه فریب بزرگ، فقط عبرت و خاکستری مانده است، و ایرانی که به تعبیر نشریه فارین پالیسی: «در مذاکرات سرسخت است، چون عمیقا به خاطر سرنوشت برجام، ترامپ و آمریکا بی‌اعتماد است».

۳- تصورش را بکنید که اگر می‌خواستیم چهره شیطانی و غیرقابل اعتماد آمریکا را به افکار عمومی جهان نشان دهیم؛ باید صدها میلیون دلار برای این کار هزینه می‌کردیم، اما ترامپ امروز، این تصویر مشمئزکننده را به نمایش گذاشته است. یا اگر می‌خواستیم در هیئت حاکمه آمریکا چنان نفوذ کنیم که نظام سیاسی خود را به آشفتگی سیستماتیک - استراتژیک بیندازند، هرگز به اندازه یک‌هزارم کاری که ترامپ ظرف صد روز کرده، نمی‌توانستیم. اکنون روزی نیست که چند رسانه آمریکایی و اروپایی، تحلیلی درباره رفتار انتحاری دولت ترامپ منتشر نکنند. چنان که خبرگزاری بلومبرگ نوشت: «ترامپ می‌کوشد خود را شخصیت تحول‌آفرین در سیاست خارجی معرفی کند، اما تصمیمات او می‌تواند آمریکا را در معرض شکست‌های ژئوپلیتیک خطرناک قرار دهد و او را به جای معامله‌گر نابغه، به نماد بی‌ثباتی تبدیل کند... آنچه باقی مانده، نه فرصتی طلایی، بلکه آخرین رشته امید است: اینکه او از مسیر فاجعه‌بار برگردد؛ و اگر پافشاری کند، نه‌تنها به زنجیره شکست‌های خیره‌کننده خواهد رسید، بلکه شاید همان لقب تحقیرآمیزی که برای بایدن بر زبان آورد، سرانجام نصیب خود وی شود: احمقی فوق‌العاده مخرب».

۴- به عنوان نمونه‌ای دیگر، نشریه فارین پالیسی به قلم سردبیر سابق نشریه پولیتیکو می‌نویسد: «هیچ کس تاکنون چنین نمایش حیرت‌انگیزی از ضعف را از فردی که خود را نماد قدرت معرفی می‌کند، ندیده است. چه امنیت ملی باشد و چه اقتصاد، دونالد ترامپ در مدت زمانی کوتاه، مسیر چشمگیری را در عقب‌نشینی از جایگاه رهبری جهانی آمریکا پیموده و نتیجه آن جز واگذاری قدرت و نفوذ دیرینه نبوده است. شاید گویاترین نشانه، سقوط بازار سهام، اوراق قرضه و ارزش دلار باشد. حتی برخی از سرسخت‌ترین حامیان ترامپ نیز زنگ هشدار را نواخته‌اند... روسیه و چین احتمالاً بیش از هر زمان دیگری از تماشای روند خود ویرانگر آمریکا خرسند هستند. ترامپ دارد آمریکا را به جایی می‌کشاند که هیچ کارتی برای بازی بر سر میز مذاکره ندارد؛ طعنه‌ای که علیه زلنسکی به‌کار برد. اقدامات ترامپ، مثل این است که سودآورترین هتل‌ها را با دستان خود ویران کنید. قدرت‌های بزرگ در دوره‌ای پایان می‌یابند و عصر جدیدی آغاز می‌شود... قدرت نرم آمریکا، قربانی ساده‌انگاری ترامپ شده. بخش بزرگی از اقتدار جهانی آمریکا ریشه در نفوذ نرمی دارد که ظاهرا ترامپ، درک درستی از آن ندارد. نتیجه سیاست‌های او، متحد کردن افکار عمومی جهان علیه آمریکاست».

۵- شخصیت و قوت روحیه ماست که می‌تواند به تحولات جهت بدهد، یا در برابر آنها منفعل باشد. بسیار اهمیت دارد که جایگاه اقتدار خود در منطقه و جهان را بشناسیم و گرفتار جنگ شناختی دشمن نشویم. مهم است که مدیران ما توجه کنند با گفتار و رفتار خود چه پیامی را به دوستان و متحدان و شرکا و دشمنان ایران می‌دهند. تحرک مضاعف در سیاست خارجی در حالی که لولای تاریخ در حال چرخیدن است، اهمیتی دو چندان دارد. نباید عمده وقت و انرژی ما صرفا صرف مذاکرات با رژیمی شود که به گواه تجارب بسیار، کمترین حسن نیتی نداشته است. مهم است که با وجود موقعیت ممتاز و مقتدرانه و تعیین‌کننده در منطقه و جهان، فعال باشیم و خدای ناکرده، صرفا به شکل واکنشی در زمین حریف بازی نکنیم. الهام‌بخشی ایران در منطقه، سرمایه‌ای نیست که بخواهیم از آن غفلت کنیم. بیستمین اقتصاد بزرگ جهان، بزرگ‌ترین قدرت نظامی و سیاسی منطقه، و الهام‌بخش‌ترین قدرت منطقه‌ای را نمی‌توان در قفس کرد و برای او معادله تحمیلی نوشت، مگر اینکه بتوانند در اراده و شخصیت قدرتمند ما رخنه کنند.

۶- علامه شهید استاد مطهری (ره)، نامه‌ای ارزشمند به دختر گرامی خویش نوشته که برای مدیران و سیاستمداران هم آموزنده است: «می‌گویند مردِ خردمندِ هنرپیشه را/ عمر دو بایست در این روزگار - تا به یکی تجربه آموختن/ با دگری تجربه بردن به کار. ولی بعضی افراد آنچنان زیرک و باهوشند که گویی دو بار به دنیا آمده‌اند و این، بار دوم است. و بعضی افراد، چنانند که با چند بار به دنیا آمدن هم، تجربه نمی‌آموزند». امروز، عبرت‌های دولت آقای روحانی و تجارب دولت شهید رئیسی، پیش روی ماست. رهبر حکیم انقلاب، ششم مرداد سال ۱۴۰۰ در آخرین دیدار دولت دوازدهم فرمودند: «دیگران باید از تجربه‌های شما استفاده کنند. یک تجربه را من به‌خصوص یادداشت کرده‌ام. حرفی است که من مکرر با شما و مردم تکرار کردم، حالا هم همان حرف را تکرار می‌کنم. این تجربه عبارت است از بی‌اعتمادی به غرب. آیندگان باید از این تجربه استفاده کنند. در این دولت معلوم شد که اعتماد به غرب جواب نمی‌دهد. غربی‌ها به ما کمک نمی‌کنند. هرجا بتوانند ضربه می‌زنند. جایی که ضربه نمی‌زنند آنجایی است که امکانش را ندارند. هرجا امکان داشتند ضربه زدند. این تجربه بسیار مهمی است. مطلقاً نبایستی برنامه‌های داخلی را به همراهی غرب، موکول و منوط کرد؛ چون قطعاً شکست می‌خورد، قطعاً ضربه می‌خورد. شماها هم هر جایی که کارهای‌تان را منوط کردید به غرب ناموفق ماندید، هر جایی که بدون اعتماد به غرب، خودتان قد علم کردید و حرکت کردید، موفق شدید. هر جا شما موضوعات را به توافق با غرب و با مذاکره با غرب و با آمریکا و اینها موکول کردید، آنجا ماندید، نتوانستید پیش بروید. چون آنها کمک نمی‌کنند، دشمن‌اند دیگر».

۷- متاسفانه در پیشانی آن دولت، بی‌عملی و کم‌تحرکی و معطلی، از همان ابتدا نقش بسته بود چنان که غلامحسین کرباسچی (دبیر کل وقت کارگزاران) اردیبهشت ۱۳۹۴ (دو ماه قبل از اعلام توافق برجام) به روزنامه شرق گفت «آیا دلمان نباید شور بزند؟ نمی‌شود معاون و وزیر باشیم اما استدلال ما این باشد که اگر بودجه دادند کار می‌کنیم و اگر ندادند، کار نمی‌کنیم! خطاب به وزیر راه گفتم بعد از چند سال بازنشسته خواهید شد و با خانواده به سفر خواهید رفت. اما اگر در همین ترافیک متوقف شوید، آیا نوه‌های شما نخواهند گفت در دوره وزارت خود چه کاری انجام دادید؟ باید دل‌مان بیشتر از این چیزی که هست، شور بزند. البته مثال وزارت راه را زدم اما بقیه وزارتخانه‌ها مثل کار و دیگران هم همین‌گونه است. دولت باید ابتکار به خرج دهد و فکری در این باره بکند... اینکه تعدادی آدم خسته و سالخورده بنشینیم و بلند شویم که نمی‌شود! فرض کنید مناقشه هسته‌ای هم حل شد، بعد از آنچه؟ این بی‌تحرکی‌ها، آدم را برای دولت نگران می‌کند. چشم بر هم گذاشتیم و نصف مهلت دولت گذشت».

۸- خودباوری دولت محترم در مقابل دشمنان مستکبر، بسیار تعیین‌کننده است. و این اعتماد به نفس، با تدبیر و برنامه‌ریزی و اهتمام به آن است که بارور می‌شود. نباید مدیریت امور به گونه‌ای پیش برود که با وجود تجربه‌گران دولت برجام و دیگر هیچ، مجددا نیاز به تذکر صاحب‌نظران درباره پرهیز از شرطی‌سازی و موکول کردن کارها به مذاکرات باشد.

بقیه در صفحه ۱۱

تأیید پیش‌بینی کیهان مبنی بر اینکه آمریکا در پی توافق نیست

ترامپ: هدف از مذاکره برچیدن کامل برنامه هسته‌ای ایران است!

سرویس سیاسی-

رئیس‌جمهور آمریکا در گزافه‌گویی جدید هدف از مذاکرات را برچیدن کامل برنامه هسته‌ای ایران عنوان کرد.

دونالد ترامپ در مصاحبه‌ای مفصل با کریستن ولکر، مجری برنامه «میت د پرس» از شبکه NBC، گفت هدفش در مذاکرات با ایران، «برچیدن کامل» برنامه هسته‌ای آن کشور است.

وی در گزافه‌گویی جدید خود اظهار داشت: «که حاضر است به استدلال‌هایی درباره اجازه به ایران برای استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای گوش دهد، به شرط پایان دادن به برنامه تسلیحات هسته‌ای آن.»

ترامپ همچنین گفت: «فکر می‌کنم گوش دادن به آن برایم قابل قبول است، می‌دانید؟ انرژی غیرنظامی، اسمش این است. اما می‌دانید، انرژی غیرنظامی اغلب به جنگ‌های نظامی ختم می‌شود. و ما نمی‌خواهیم آن‌ها سلاح هسته‌ای داشته باشند. این یک توافق بسیار ساده است.»

ترامپ، رئیس‌جمهور قمارباز و ماجراجوی ایالات متحده، که اکنون در صدمین روز از دور دوم ریاست‌جمهوری‌اش، در کاخ خودخوانده‌اش در مارالاگو لم داده و با ژستی متکبرانه درباره «برچیدن کامل برنامه هسته‌ای ایران» سخن می‌گوید، گمان می‌کند که با زبان تهدید، تحریم و شارلاتانیسم سیاسی می‌تواند ایران را مجبور به معامله‌ای نابرابر بکشاند.

وی که سابقه‌اش در خروج یکجانبه و غیرقانونی از برجام همچون داغ ننگ دیگری بر پیشانی تاریخ مفصل خدعه‌های دیپلماسی آمریکا حک شده، حالا در حالی دم از مذاکره و توافق می‌زند که تنها در ۱۰۰ روز گذشته، ۱۸۲ تحریم جدید علیه ایران وضع کرده است! کدام عقل سلیمی این تناقض آشکار را نمی‌بیند؟! همزمان دعوت به گفت‌وگو می‌کند و با همان دست، طناب تحریم بر گردن ملت ایران می‌اندازد! این است تعریف آمریکایی از «دیپلماسی»؟!

وقتی رئیس‌جمهور آمریکا با لحنی مزورانه می‌گوید «اجازه می‌دهد ایران از انرژی صلح‌آمیز استفاده کند، به شرطی که...» در واقع نقاب از چهره نژادپرستانه و استکباری نظام حاکم بر واشنگتن برمی‌دارد. کسی که در همان مصاحبه می‌گوید انرژی غیرنظامی اغلب به جنگ‌های نظامی ختم می‌شود، نشان می‌دهد که نه تنها چیزی از منطق، حقوق بین‌الملل یا اصول عدم اشاعه نمی‌فهمد، بلکه با وقاحت تمام، خواست ملت‌ها برای پیشرفت را تهدیدی برای خود تلقی می‌کند.

آقای ترامپ! ایران کشوری است با تمدنی چند هزار ساله و ملتی که در برابر امپراتوری‌ها ایستاده و هرگز زیر بار سلطه نرفته است. شما و مشاورانتان اگر نیم‌نگاهی به تاریخ بیندازید، خواهید دید که این ملت با زور و تزویر پای میز تسلیم ننشسته و نخواهد نشست. «دیپلماسی» مورد ادعای شما، زمانی معنا دارد که مبتنی بر احترام، منطق و تعامل متقابل باشد، نه باج‌خواهی، تحریم‌گری و تهدید.

اگر خیال کرده‌اید با تکرار همان سیاست‌های پوسیده، می‌توانید ما را از حقوق مشروع‌مان در استفاده صلح‌آمیز از فناوری هسته‌ای محروم کنید، سخت در اشتباه‌اید. ما نه چشم امید به لبخند گرگ داریم و نه هراسی از نعره‌های توخالی او. این ملت، بارها در برابر چنین هیاهوهایی ایستاده و نشان داده که تنها زبانی که بلد است، زبان مقاومت است، نه التماس.

مذاکره؟ بله، اما با کسی که بداند با ملت ایران نمی‌توان به زبان تهدید حرف زد.

کیهان پیش از این نیز در شماره روز شنبه ۱۳ اردیبهشت و در گزارش تیتر یک خود عنوان کرده بود که «ترامپ با چه زبانی بگوید حسن نیت ندارد؟!» این موضع‌گیری جدید از ترامپ به شکلی واضح درستی این گزاره را نشان داد.

در همین راستا گفته بودیم که ۱۸۲ تحریم در ۱۰۰ روز؛ یعنی هر ۱۳ ساعت یک اقدام خصمانه جدید علیه ملت ایران. این اعداد به‌خوبی نشان می‌دهند که ادعای «پنجره دیپلماسی» از سوی دولت ایالات متحده، جز پرده‌ای برای پنهان‌کردن استمرار فشارها و زیاده‌خواهی‌ها نیست. تجربه سال‌های گذشته نیز به‌وضوح ثابت کرده است که لبخند دیپلماتیک در قاموس سیاست آمریکایی، هیچ‌گاه به معنای تغییر رویکرد نبوده، بلکه تنها تاکتیکی برای تحمیل خواسته‌های بیشتر بوده است.

در شرایطی که ۱۰۰ روز از بازگشت مجدد ترامپ به کاخ سفید گذشته است رویکرد وی و دولتمردانش در این بازه زمانی به‌خوبی این نکته را گوشزد می‌کند که تیم مذاکره‌کننده ایران بایست با نهایت هوشمندی، ضمن حفظ آمادگی برای گفت‌وگویی نتیجه‌محور و عادلانه، از افتادن در دام مذاکرات فرسایشی و وقت‌گیر پرهیز کند.

نیویورک‌تایمز: روبیو در واشنگتن می‌ماند ویتکاف مسئول مذاکره با ایران است

رسانه آمریکایی نوشته روبیو در کاخ سفید و وزارت امور خارجه خواهد ماند، در حالی که ویتکاف مسئولیت یافتن راهی برای پایان دادن به جنگ در اوکراین و غزه و دستیابی به توافقی با ایران را بر عهده دارد.

«دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا پس از برکناری «مایک والتز» مشاور امنیت ملی پیشین خود در پنج‌شنبه هفته گذشته، «مارکو روبیو» وزیر امور خارجه را با حفظ سمت جایگزین او کرد که دیدگاه متعادل‌تری نسبت به روسیه داشته و آماده است تا با رویکرد سیاست خارجی او درباره ایران، غزه و چین همراه شود.

به گزارش ایسنا، روزنامه نیویورک تایمز در گزارشی با این مقدمه نوشت: ترامپ با انتخاب روبیو به عنوان مشاور ارشد سیاست خارجی در کاخ سفید علاوه بر مسئولیت اصلی‌اش به عنوان وزیر امور خارجه، به رقیب سیاسی خود روی آورد که سه ماه اول دولت را به عنوان یک پیاده‌نظام جهانگرد و انعکاس قابل اعتماد رئیس‌جمهور گذرانده است.

دو روی سکه در افزایش مسئولیت‌ها و اختیارات «مارکو روبیو»

اکنون روبیو هم از کاخ سفید و هم از وزارت امور خارجه به اجرای این دستورکار کمک خواهد کرد، در حالی که «استیو ویتکاف» فرستاده ویژه کاخ سفید که مذاکره‌کننده اصلی آمریکا در مذاکرات غیرمستقیم تهران-واشنگتن و مذاکرات صلح اوکراین است، مسئولیت یافتن راهی برای پایان دادن به جنگ در اوکراین و غزه و دستیابی به توافقی با ایران درباره برنامه هسته‌ای آن را بر عهده دارد.

در ادامه این مطلب آمده است: «لسلی وینجاموری» مدیر برنامه ایالات متحده و قاره آمریکا در اندیشکده تحقیقاتی «چتم‌هاوس» در این باره گفت: مارکو روبیو آماده همسو شدن و در پیش گرفتن مسیر از جایی است که ترامپ در آن قرار دارد. برداشت ما این است که در این دولت، وفاداری اولویت اول است، وفاداری به شخص(ترامپ) و وفاداری به ماموریت.

با این حال، او افزود که ترامپ با تجمیع این اندازه از قدرت در یک شخص در حوزه سیاست خارجی، با خطر از دست دادن فردی روبه‌روست که ممکن است چشم‌اندازهای سیاسی یا مشاوره متفاوتی ارائه دهد.

مسئولیت جدید روبیو اغلب اوقات ایجاب می‌کند که او به عنوان مشاور امنیت ملی در کاخ سفید و نزدیک رئیس‌جمهور بماند که توان او برای سفر به سراسر جهان به عنوان دیپلمات ارشد آمریکا را کاهش خواهد داد. این موضوع فضا را برای ویتکاف با تجربه اندک در حوزه سیاست خارجی افزایش می‌دهد تا مذاکراتش در جهان را پیش ببرد اما روبیو احتمالا مجبور خواهد بود بیشتر اوقات در دسترس رئیس‌جمهور آمریکا باشد.

نیویورک تایمز نوشت: بعید است که روبیو درباره روسیه بیشتر از والتز ترامپ را به چالش بکشد که دیدگاه‌های سنتی‌تر و تندتری داشت. یک منبع مطلع گفت که والتز اخیرا تلاش می‌کرد رئیس‌جمهور آمریکا را قانع کند در صورتی که روسیه از توافق در زمینه صلح اوکراین خودداری کند، تحریم‌های شدیدی از سوی واشنگتن علیه مسکو اعمال شود. اگرچه، ترامپ حداقل به طور علنی، تمایل کمی به این گزینه نشان داده است.

سه منبع مطلع نزدیک به ترامپ گفتند که تفکر جنگ‌طلبانه و افراطی والتز، انتقادهای او از «ولادیمیر پوتین» رئیس‌جمهور آمریکا و حمایتش از «ولودیمیر زلنسکی» رئیس‌جمهور اوکراین در گذشته، باعث شده بود شبهات عمیقی درباره او در دولت شکل بگیرد.

بدون «مایک والتز»، دولت ترامپ در سیاست خارجی یکصداتر عمل می‌کند

این رسانه نوشت: بدون والتز، یک نفر از مقام‌های ارشدی که به عنوان کانال غیررسمی ارتباط با ترامپ برای رهبران خارجی استفاده می‌شد، کم می‌شود. اما در حوزه اوکراین، خاورمیانه، روسیه و چین، ارتقای روبیو تاکیدی بر عزم رئیس‌جمهور آمریکا برای حفظ یکصدایی در دولت است.

روبیو به عنوان سناتوری از فلوریدا یکی از منتقدان صریح روسیه و از حامیان پرشور زلنسکی پس از حمله روسیه به اوکراین در فوریه ۲۰۲۲ بوده است اما او به عنوان وزیر امور خارجه آمریکا هم‌صدا با دیگر مقام‌های دولت هشدار داده که ترامپ ممکن است به طور نامحدود زمان و منابع آمریکا را به مذاکرات صلح اوکراین اختصاص ندهد که ظاهرا برای اوکراین به عنوان کشوری جنگ‌زده، سخت‌تر خواهد بود.

روبیو همچنین از خط مشی رئیس‌جمهور آمریکا در ارتباط با جنگ میان رژیم صهیونیستی و حماس در غزه پیروی کرده و بارها گفته است «حماس باید ریشه‌کن شود».

او پس از پیشنهاد ترامپ مبنی بر کوچ اجباری فلسطینیان از غزه به بهانه بازسازی این منطقه جنگ‌زده، در پیامی در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «آمریکا آماده است رهبری را برای زیبا کردن دوباره غزه بر عهده بگیرد.»

او هم مانند رئیسش گفته چین «بزرگ‌ترین تهدید» آمریکاست و از حامیان سرسخت علاقه ترامپ به خریداری و الحاق گرینلند و کنترل دوباره کانال پاناما بوده است.

او در زمینه سیاست ایران نیز با وجود تکرار ادعای رئیس‌جمهور آمریکا مبنی بر وجود اهداف نظامی در برنامه هسته‌ای ایران و ضرورت جلوگیری از دستیابی ایران به یک سلاح اتمی، از خواست ترامپ برای رسیدن به توافقی دیپلماتیک در این زمینه پیروی کرده که از به کار بستن گزینه نظامی جلوگیری خواهد کرد.

«هال برندز» استاد دانشگاه جان‌هاپکینز می‌گوید: این نشان می‌دهد والتز با ترامپ هماهنگ نبود، او درباره مسائلی از جمله اوکراین و ایران زیادی تندرو و جنگ‌طلب بود.

بقیه در صفحه ۱۱

گفت و شنود

تی دسته‌دار!

گفت: از شلیک موشک مقاومت یمن به فرودگاه بن‌گوریون در فلسطین اشغالی چه خبر؟ اعلام شده که این موشک خسارت‌های جانی و مالی فراوانی به بار آورده و بدجوری صهیونیست‌ها را به وحشت انداخته است.

گفتم: «بنی‌گانتز»، مسئولیت شلیک موشک را متوجه ایران کرده و نوشته است؛ «این یمن نیست. این ایران است که به سمت اسرائیل موشک شلیک کرده است»!

گفت: حیوون‌های وحشی با نسبت دادن موشک‌ها به ایران، می‌خواهند روی ضعف و ناتوانی خود سرپوش بگذارند. تازه یمن اعلام کرده «از ۲۷ اردیبهشت به بعد علاوه بر کشتی‌های عازم اسرائیل و کشتی‌های جنگی آمریکا، تمام کشتی‌های تجاری آمریکا در دریای سرخ و باب‌المندب و کانال سوئز و دریای عمان را هم مورد حمله قرار می‌دهد».

گفتم: کانال «سهام نیوز» که از خارج کشور اداره می‌شود، نظر یکی از مدعیان اصلاحات که خیلی کشته و مرده آمریکاست را نقل کرده که نوشته است؛ «اصابت موشک حوثی‌ها به فرودگاه بن‌گوریون به نظرم روند مذاکرات را به مرز تخریب می‌رساند»!

گفت: یعنی این یارو مدعی اصلاحات و آن کانال خارج‌نشین سهام نیوز مثل همیشه با متهم کردن ایران، توی دامن آمریکا و اسرائیل غش کرده‌اند!... اصلا این جماعت چیزی از غیرت و آزادگی و وطن و... به گوششان خورده؟!

گفتم: به یارو گفتند با «وطن» جمله بساز. گفت؛ رفتم حمام «وتنم» را شستم! گفتند؛ منظورمان وطن با ط دسته‌دار است. گفت؛ اتفاقا من هم با تی دسته‌دار تنم را شستم!!

بازداشت ۷ تبعه ایرانی با ادعای دست داشتن در جرائم تروریستی در انگلیس

پلیس لندن مدعی شد ۷ تبعه ایرانی را به ظن دست داشتن در جرائم تروریستی در ۲ عملیات جداگانه بازداشت کرده است.

پلیس متروپولیتن لندن در بیانیه‌ای اعلام کرد که این دستگیری‌ها در لندن، سویندون و منطقه منچستر بزرگ انجام شده و مربوط به «یک توطئه مشکوک برای هدف قرار دادن یک مکان خاص» بوده‌اند. پلیس اعلام کرد که در مجموع هشت نفر شامل هفت ایرانی را بازداشت کرده که این مردان بین ۲۹ تا ۴۶ سال سن دارند و به ظن آماده‌سازی تدارکات یک اقدام تروریستی دستگیر شده و همچنان در بازداشت هستند. به گفته پلیس مبارزه با تروریسم لندن، ملیت یکی از این افراد هنوز در حال بررسی است.

به گزارش ایسنا، «دومینیک مورفی» رئیس فرماندهی مبارزه با تروریسم متروپولیتن گفت: این تحقیقات به سرعت در حال انجام است و ما از نزدیک با افراد حاضر در محل آسیب دیده همکاری می‌کنیم تا آنها را در جریان آخرین اخبار قرار دهیم.

او افزود: تحقیقات هنوز در مراحل اولیه است و ما در حال بررسی ابعاد مختلف آن هستیم تا هرگونه انگیزه بالقوه را مشخص و همچنین تعیین کنیم که آیا ممکن است خطر بیشتری برای عموم در ارتباط با این موضوع وجود داشته باشد یا خیر.

به نوشته روزنامه گاردین، مأموران در ارتباط با این تحقیقات، در حال انجام جست‌وجو در تعدادی از آدرس‌ها در مناطق منچستر بزرگ، لندن و سویندون هستند.

این بازداشت‌ها و جست‌وجوها با پشتیبانی مأموران پلیس منچستر بزرگ و همچنین همکاران پلیس مبارزه با تروریسم از سراسر انگلیس انجام می‌شود.

نگرانی ایران از تداوم حملات به اهداف غیرنظامی در سودان

سخنگوی وزارت امور خارجه ضمن محکوم کردن حمله پهپادی به فرودگاه و تأسیسات غیرنظامی در شهر پورت‌سودان، نسبت به تداوم حملات به تأسیسات شهری غیرنظامی ابراز نگرانی کرد.

اسماعیل بقایی سخنگوی وزارت امور خارجه روز یکشنبه ۱۴ اردیبهشت‌ماه ضمن محکوم کردن حمله پهپادی به فرودگاه و تأسیسات غیرنظامی در شهر پورت‌سودان، نسبت به تداوم حملات به تأسیسات شهری غیرنظامی از جمله نیروگاه‌ها، بیمارستان‌ها، تصفیه‌خانه‌های آب و فرودگاه‌های غیرنظامی ابراز نگرانی کرد و خواستار توقف حمله به شهروندان شد. سخنگوی وزارت امور خارجه با اشاره به وقوع فاجعه بزرگ آوارگی و گرسنگی در سودان، از جامعه جهانی و سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی خواست به وظیفه خود برای توقف درگیری‌ها و ارسال کمک‌های بشردوستانه به مردم سودان عمل کنند.

خبر ویژه

ارزیابی رسانه‌های غربی از توهّمات وزیر خارجه آمریکا

رسانه‌های غربی از جمله «رویترز»، «واشنگتن تایمز»، «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها (FDD)» و «کریدل» به تحلیل اظهارات تازه «مارکو روبیو»، وزیر خارجه متوهّم آمریکا پرداخته‌اند که خواستار توقف کامل فعالیت‌های غنی‌سازی اورانیوم در ایران شده است. این اظهارات، در کنار شروط سخت‌گیرانه دیگر درباره برنامه موشکی و سیاست‌های منطقه‌ای ایران، به‌مثابه بخشی از تلاش برای بازتعریف چارچوب توافق احتمالی با تهران تفسیر شده‌اند.

رویترز و واشنگتن تایمز گزارش داده‌اند که مارکو روبیو در گفت‌وگو با فاکس‌نیوز، مجموعه‌ای از شروط به‌زعم او «غیرقابل مذاکره» را برای دستیابی به توافق با ایران مطرح کرده است. او توقف کامل غنی‌سازی، کنار گذاشتن برنامه موشکی، قطع حمایت از گروه‌هایی چون انصارالله و پذیرش بازرسی بی‌قید و شرط از تأسیسات، حتی مراکز نظامی را الزامی دانسته وخطاب به جمهوری اسلامی ایران تصریح کرده است: «اگر توانایی غنی‌سازی ۳.۶۷ درصد را داشته باشید، رسیدن به سطوح بالاتر فقط چند هفته زمان می‌برد؛ این موضوع را نمی‌توان نادیده گرفت.»

روبیو در ادامه، گزینه واردات سوخت هسته‌ای را برای برنامه‌های صلح‌آمیز پیشنهاد کرده و مدعی شده که کشورهایی که غنی‌سازی انجام می‌دهند، غالباً همان‌هایی هستند که تسلیحات هسته‌ای در اختیار دارند.

بنیاد FDD این سخنان را بازتابی از رویکرد بی‌مماشات دولت ترامپ در قبال ایران دانسته و آن را تلاش برای «سد کردن مسیر شتاب‌یافته ایران به سوی توان هسته‌ای نظامی» توصیف کرده است. به نوشته واشنگتن تایمز، روبیو عملاً «غنی‌سازی را خط قرمز آمریکا» معرفی کرده و آن را تهدیدی ذاتی برای امنیت بین‌المللی خوانده است.

در سوی مقابل، «کریدل » با لحنی انتقادی‌تر، این مواضع را بخشی از «کارزار فشار حداکثری» توصیف کرده و آن‌ها را غیرواقعی و فاقد پایگاه در حقوق بین‌الملل دانسته است.

در مقابل این مواضع خصمانه روبیو، ایران واکنش نشان داده و عراقچی، وزیر خارجه کشورمان، ضمن رد ادعاهای مطرح‌شده، تصریح کرده است: «ایران، همانند بسیاری دیگر از اعضای NPT، حق برخورداری از چرخه سوخت صلح‌آمیز را دارد و این حقی غیرقابل معامله است.»

وزارت خارجه ایران نیز در بیانیه‌ای که در «کریدل» بازتاب یافته، هشدار داده است که سیاست‌های مبتنی بر «فشار، تحریم و تهدید» نتیجه‌ای معکوس خواهد داشت و اعلام کرده که ایران به مسیر دیپلماسی پایبند است، مشروط بر آنکه طرف مقابل رویکردی سازنده در پیش گیرد.

درحالی‌که رسانه‌هایی چون FDD و واشنگتن تایمز بر شکاف عمیق میان دو طرف بر سر مسئله غنی‌سازی تأکید کرده‌اند، «کریدل» گزارش داده که تحریم‌های تازه نفتی آمریکا، به‌ویژه علیه شرکت‌های ثالث، از سوی تحلیل‌گران به‌مثابه تلاشی برای تضعیف موقعیت ایران در روند گفت‌وگوها ارزیابی می‌شود.

اگرچه اظهارات سخیف «روبیو» در ظاهر بخشی از مواضع واشنگتن درباره تهدیدات برنامه هسته‌ای ایران عنوان می‌شود، اما لحن و محتوای سخنان او نشان از نوعی هدف‌گذاری مضاعف دارد. در گام نخست، شکل‌دهی به چارچوبی جدید و سخت‌گیرانه‌تر برای توافق احتمالی و در گام دوم، به نظر می‌رسد تحمیل فشار روانی و اقتصادی از طریق ابزار تحریم برای واداشتن کشورمان به پذیرش شروط از پیش تعیین‌شده صورت می‌گیرد.

با چنین نگاهی می‌توان گفت؛ تحریم‌های تازه نفتی آمریکا، گرچه به‌صورت مستقیم به گفت‌وگوها مرتبط نیست، اما در عمل نقشی مکمل در راهبرد فشاربه ایران ایفا می‌کند. راهبردی که ادامه روند مذاکرات را با ابهام زیاد روبه‌رو کرده است.

رئیس‌جمهور اطلاعات آماری‌اش را از کجا می‌آورد؟

آقای مسعود پزشکیان روز گذشته در آیین تجلیل معلمان نمونه کشور یکی از ادعاهای همیشگی خود را تکرار کرده و گفته است: «ما الان بچه‌هایی تربیت می‌کنیم که فکرشان به خارج است. هنر این نیست که نخبه تربیت کنیم و به آمریکا بفرستیم.»

اظهارات آقای رئیس‌جمهور چندان واقعی به نظر نمی‌رسد و اگر آن را بی‌اطلاعی ایشان از آمار مهاجرت ندانیم دست‌کم باید بگوییم آقای پزشکیان بیش از حد اغراق کرده است.

براساس داده‌های جمع‌آوری شده در سال ۲۰۲۰ که در تارنمای world population review منتشره شده است؛ ایران حتی در میان ۵۰ کشور اول مهاجرفرست دنیا نیست. طبق این آمار تنها حدود یک و نیم درصد از تمام ایرانیان (معادل یک میلیون و سیصد هزار نفر) اعم از نخبه و غیر نخبه از کشور مهاجرت می‌کنند.

این در حالی است که کشوری مانند انگلستان که قبله‌گاه برخی غرب‌پرستان مستقر در دولت نیز تلقی می‌شود با آمار مهاجرفرستی حدود ۷ درصدی (معادل چهار میلیون و هفتصد هزار نفر) رتبه سیزدهم جهان را دارد.

همچنین طبق آمار سالنامه مهاجرتی ایران در سال ۱۳۹۹ از سال ۲۰۱۱ روند مهاجرت دانشجویان ایرانی کاهشی شده و از رتبه ۱۲ در سال ۲۰۱۲ به رتبه ۲۰ در سال ۲۰۱۷ رسیده است.

طبق آمار سالنامه مهاجرتی ایران در سال ۱۴۰۱ نیز روند بازگشت دانشجویان ایرانی به کشور از سال ۹۳ تسریع شده است.

بر این اساس معلوم نیست اظهارات آقای پزشکیان به استناد کدام آمار است؟! شاید بهتر باشد ایشان تغییراتی در اطرافیان خود دهد تا اینچنین با آمار مجعول و سیاه از وضعیت کشور ذهن رئیس‌جمهور را مخدوش نکنند.

موج‌سواری رسانه‌ای دشمن روی یک حادثه در کرج

در ساعات اولیه شب یکشنبه پیش از آنکه خبری رسمی بر خروجی خبرگزاری‌های داخلی مبنی بر آتش سوزی در منطقه‌ای در کرج قرار بگیرد، سایت‌ها و کانال‌های خبری ضد انقلاب با دو اتفاقی که تقریباً همزمان در کرج افتاده بود به دنبال خبرسازی‌های دروغین برآمدند تا ذهن مردمی که هنوز حادثه تلخ آتش‌سوزی و انفجار بندر شهید رجایی را به‌خاطر داشتند، تحت تاثیر این اخبار دروغ قرار دهند. واقعیت این بود که در سکوی زباله شهرستان «فردیس» کرج، آتش‌سوزی کوچکی اتفاق افتاده بود و وقوع طوفان و باد باعث گسترش آن شده بود که با اقدام به‌موقع آتش‌نشانان ۸۰ درصد آتش‌سوزی در همان ساعات اولیه تحت کنترل درآمده و اطفاء شده بود. همزمانی این حادثه با زلزله ۴ ریشتری ماهدشت شهرستان کرج، گمانه‌زنی‌ها و جنگ روانی رسانه‌های ضد انقلاب و دشمن را تشدید کرد، تا آنجا که در برخی شبکه‌های خبری معاند سخن از حمله نظامی و... مطرح گردید تا شاید بتوانند در شرایطی که مذاکرات هسته‌ای غیر مستقیم ایران و آمریکا به تعویق افتاده، فضای کشور را ملتهب کنند. برخی از این رسانه‌ها با انعکاس تصاویر آتش‌سوزی از راه دور، از نزدیکی این محل با نیروگاه قائم شهرستان کرج سوءاستفاده کرده و این حادثه را آتش‌سوزی نیروگاه نامیدند. این شایعه‌سازی پس از آن شدت گرفت که مناطقی از استان البرز به‌دلیل وزش شدید طوف